

# تهدیدات نظامی علیه روسیه و مسایل موجود در نیروهای نظامی آن کشور

ب.ام. بارینکین<sup>۱</sup>

همه‌خبرگان مسایل امنیت ملی روسیه از سال ۱۹۹۳ که دوره‌ی رؤیایی گرایش روسیه نسبت به غرب پایان یافت در این مورد کاملاً به اتفاق نظر رسیده‌اند که یک ناتوی قدرتمند، با منافع روسیه سازگار نیست. این اظهارنظر موجب تردید روسیه در مشارکت در ابتکار عمل برای همکاری به منظور برقراری صلح و نیز موجب ایجاد یک علاقه‌نمایی در ستاد کل این کشور برای همکاری نظامی با ناتو و همچنین این اعتقاد شدیدی گشت که یک پیمان ضعیف و نوظهور آتلانتیک شمالی مناسب روسیه است. احتمال تغییر این اصل ژئوپلیتیک روسیه که به‌طور مسلم مبتنی بر نظر مقامات قدرتمند روسیه بوده در آینده کم است. روس‌ها ادعا می‌کنند تا آنجا که به تهدیدهای جنوب و شرق مربوط می‌شود، برای آنها هیچ‌گونه انتخاب دیگری به‌جز ایجاد یک خط دفاعی وجود ندارد؛ ولی می‌گویند آنها آزاد نیستند به مرزهای حفاظت نشده و کاملاً نفوذپذیر میان آسیای مرکزی و روسیه بروند، بلکه می‌بایست به مرزهای جنوبی اتحادشوروی سابق که سازوکارهای نظارت بر آنها در این زمان فعال است بروند.

تجربه‌ی جهانی ما را متقاعد می‌کند که قدرت نظامی به عنوان یکی از ابزارهای مهم از سیاست بین‌دولت‌ها باقی می‌ماند. تعیین موقعیت و نقش آن و همچنین توجه به استنتاجات و نتایج حاصل از ارزیابی و محاسبه‌ی قدرت نظامی بسیار دارای اهمیت می‌باشد. در شرایط امروزی، با وجود رشد عینی تمایلات صلح‌طلبانه، تهدید به عنوان مقدمه‌ی ظهور یک درگیری نظامی هنوز باقی است.

سیاست‌های قدیمی‌ترین دولت‌های جهان هنوز در جهت افزایش کیفی نیروهای

۱. ژنرال ب.ام. بارینکین (B.M. Barynkin) دکترای علوم نظامی و عضو مرکز پژوهش‌های منازعات نظامی لندن می‌باشد. این مقاله در نشریه‌ی مرکز فوق وابسته به وزارت دفاع اوکراین (UKTrans 00593) اوت ۱۹۹۹ ارایه و توسط آقای قاسم ملکی از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه گردیده است.

نظامی‌شان اعمال می‌گردند و تغییرات اساسی در دیدگاه این دولت‌ها به رغم واقعیت‌های جدید که پس از فروپاشی شوروی مطرح گشته‌اند صورت نپذیرفته است.

مسئله‌ای که در حال حاضر به گذشته سپرده شده رویارویی دو قطب قدرت نظامی یعنی پیمان ناتو و پیمان ورشو می‌باشد. در همان زمان هرگونه تغییری بحث‌ها و مجادلات معمول در مورد تبلیغات خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دادند؛ اما نظریات اصلی راجع به نقش و اهمیت قدرت نظامی به قوت و اهمیت خود باقی بود. روسیه نتیجه فوری تغییر جهت بلوک ناتو از مخالفتش با بلوک پیمان ورشو را دید به طوری که به عنوان «ابزاری برای صلح»<sup>۱</sup> به ویژه در اروپا انگاشته شد و به کار رفت. اما به طور روشن نیروهای نظامی بیشتر دولت‌های بلوک ناتو سعی در رشد و افزایش درجه توانایی و آمادگی نظامی خود دارند.

روسیه کنونی، خارج از چارچوب اتحاد جماهیر شوروی، محروم و بی‌بهره از بسیاری از امتیازات ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک که قبلاً از آن برخوردار بود می‌باشد. انحلال پیمان تدافعی یعنی پیمان ورشو و بازگشت سربازان روسی از کشورهای اروپایی به روسیه باعث کاهش نفوذ ژئوپلیتیک روسیه در اروپا گشت. این امر به طور مؤثر میدان عمل مانورهای سیاسی - نظامی روسیه را کاهش داده و مرزهای برخوردی نظامی ممکن را از اروپای مرکزی به مرزهای روسیه انتقال داده و جابجا می‌نماید. در چهار سال گذشته فقط در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و همسایگی و مجاورت با آنها تقریباً ۳۰ مورد از برخورد نظامی و بیش از ۷۰ حادثه و واقعه ناشی از آن روی داده است.

علاوه بر این، زیربنا و ساختار ترکیب دفاعی به طور عمده تغییر پیدا کرده و دگرگون شده است. روسیه نمی‌تواند با بی‌تفاوتی و خونسردی شاهد بلوک‌بندی مجدد و بی‌پروا و عجولانه متحدان سابق خود و همسایگان نزدیکش باشد (لهستان، مجارستان، جمهوری چک، اسلواکی، رومانی، بلغارستان و کشورهای بالتیک) و به سمتی پیش بروند که در آینده نزدیک به عنوان اعضای دائمی ناتو تلقی گردند.

یک ارزیابی و برآورد صحیح از نقش و میزان خطر تهدیدات نظامی یکی از عوامل



اصولی «تصمیم‌گیری راجع به طرح و ویژگی‌های ساختار نظامی»<sup>۱</sup> است.

طی یک دوره طولانی ارتش‌های بیشتر کشورهای دنیا سطح این تصمیم‌گیری را براساس هدف‌های سیاسی خود و با توجه به توانایی‌های نظامی یک دشمن یا دشمن احتمالی و بالقوه دیگر قرار داده‌اند. آن رویه ترتیبی بود که طی دوره رویارویی بین دو نظام سیاسی (اتحاد جماهیر شوروی سابق و آمریکا) اعمال می‌شد. با این حال امروزه، در دوره تاریخی جدید، دوره تغییر رویه رویارویی به رویه همکاری و مشارکت، استفاده از واژه «مفهوم دشمنی احتمالی»<sup>۲</sup> در فرهنگ و ادبیات سیاسی صحیح می‌باشد. بنابراین لازم است که بین ارزیابی سیاسی از تهدیدات احتمالی روسیه و دشمنان سیاسی روسیه از یک طرف و عوامل محض نظامی و عوامل صرفاً حرفه‌ای از طرف دیگر تمایز و تفاوت قائل شد.

در حال حاضر در طول تمامی مرزهای روسیه، بیش از ۵۰۰ لشکر نظامی از دیگر کشورها به حالت آماده‌باش حضور دارند و ظاهراً روابط روسیه با این کشورها دارای ماهیت صلح‌دوستانه نیست. برای روسیه این بیش از یک سطح برانگیزنده تهدید است، همان‌طور که سیاست حکم می‌دهد، این وضعیت نشانگر یک مشکل همراه با نقاط ابهام و ناشناخته بسیار است. البته حداکثرها را در نظر گرفتن توصیه نمی‌شود و زیاد بزرگ نمودن یک «تصویر دشمن»<sup>۳</sup> به‌طور مصنوعی شایسته نیست؛ همان‌طور که می‌بایست این قدرت نظامی و تهدیدات علیه روسیه با خونسردی مرعی و ملاحظه شود. در جهان واقعی و محیط عمل افسران و صاحب‌منصبان ارتش نباید به سخنرانی‌ها و لفاظی‌های تبلیغاتی تمرکز کنند بلکه باید به مفاد و محتوای فعالیت نظامی، توان تدارکات و اقدامات عملی، آرایش نظامی نیروهای خارجی و چندین شاخص دیگر توجه نمایند؛ تجزیه و تحلیلی که افسران را به برنامه‌ریزی جهت زیربنا و ساختار مناسب برای نیروهای مسلح روسیه قادر می‌سازد.

تهدیدات به منافع روسیه با شاخص‌های گوناگون دسته‌بندی شده‌اند. در اینجا موارد

مهم تر آن ذکر می‌گردد:

1. Determining the pattern of Millitary construction

2. Probable enemy Conqct

3. Image of the Enemy



۱. تهدیدات ناشی از اختلافات دیرین بین شرق و غرب و الان بین غرب، آمریکا و جمهوری‌های جدید حاصل از فروپاشی شوروی و کشورهای پیمان ورشو. نظام دوقطبی غول‌پیکر سیاسی - نظامی الان به نظام چندقطبی تبدیل شده است. در آن زمان قدرت نظامی آمریکا تقویت شده بود و ظرفیت و قابلیت نظامی ناتو نیز افزایش یافته بود.

۲. تهدیدات به عنوان نتیجه ظهور دوباره رویارویی نظامی سنتی بین روسیه و دولت‌های معین افزایش می‌یابند. یک ویژگی متمایز از گذشته در این رویارویی و تقابل دوباره مشاهده می‌گردد و آن این است که کشورهای قادر به حملات خسارت‌بار به روسیه عبارت‌اند از: ایالات متحده آمریکا، آلمان، فرانسه، ترکیه، ژاپن و چین. در حال حاضر، پاکستان به این فهرست اضافه شده است.

منافع ملی آلمان؛ همان‌طور که دولت این کشور اعلام نموده، در حال حاضر دلیل و نشانه‌ای حاکی از تهدید روسیه از طرف آلمان دیده نمی‌شود. علاوه بر این، آلمان در حال تجربه و حل مشکلات ناشی از اتحاد مجدد می‌باشد. در حال حاضر، آلمان در صحنه اروپا اهمیت ویژه دارد و در حال صعود سریع بوده در آینده نزدیک نقش بسیار فعال‌تری ایفا می‌کند و به تدریج به آمریکا فشار بیشتری وارد می‌نماید. بنابراین، انتظار می‌رود که آلمان در بسیاری زمینه‌ها رویه خود را تغییر دهد. روسیه شرقی همچنان با موضوع و منظر جاه‌طلبی‌های تاریخی خود به حیات خویش ادامه می‌دهد. در اینجا از چشم روسیه یک تهدید بالقوه جدید در مورد تضادها و مناقشات آینده پنهان است که شایسته است این کشور خود را برای حل آنها آماده نماید.

مورد ترکیه نیاز به توجه خاص دارد، این کشور به موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی قابل توجهی دست یافته است. ترکیه یک نقش فعال و برتر از همه در نائل شدن به نقش تاریخی‌اش در روابط دولت‌های حوزه دریای سیاه که به روسیه نیز به‌طور مستقیم مربوط می‌شود ایفا می‌نماید، همان‌طور که گواه و شاهد این امر تلاش ترکیه برای تأسیس یک نهاد مبتنی بر همکاری اقتصادی و ایفای نقش فعال برای حل منازعات منطقه قفقاز می‌باشد.

۳. با توجه به تهدیدات جدید نسبت به روسیه برخاسته از افزایش ناسازگاری‌ها و



مشکلات و مسایل اخلاقی داخلی و مسایل قومی، رشد نفوذ نیروهای بنیادگرا در کشورها و مناطق معین، مشکلات ژئوپلیتیک متمایز و مشخص بین شمال و جنوب را آشکار می‌نماید. موقعیت‌ها در شرق دور و خاورمیانه به واسطه تسویه رقابت شرق و غرب در مبارزه برای نفوذ بیشتر در جمهوری‌های شوروی سابق مشخص می‌گردد.

۴. تهدیدهایی که به واسطه شرایط تضاد و منازعه بالقوه با کشورهای معین ناشی می‌شوند؛ چراکه این کشورها به آخرین توانایی‌ها و دستاوردهای علمی و فنی دست یافته‌اند. به منظور کنترل چنین بحران‌هایی با بُعد جهانی فقط قدم‌های اول برداشته شده‌اند. مشکلات گسترش غیرقابل کنترل تسلیحات به علاوه تسلیحات هسته‌ای هنوز حل نشده‌اند، در حالت حملات از جانب رژیم‌های بی‌ثبات و توتالیتر شرایط سخت به مراتب خطرناک‌تر و تشدید می‌گردند.

باید توجه داشت که منازعه نظامی در یکی از دسته‌های انواع تهدید و یا ترکیبی از آنها تحریک و انگیزه می‌شود. اهمیت آن این است که در این مورد شانس پیدا نمودن راه‌حل وجود دارد - توافقی از طریق ابزارهای صلح‌جویانه یا منازعه نظامی. در پایان همگی به تمایل احزاب جهت رسیدن به یک مصالحه و برداشتن قدم‌های واقعی برای حصول توافقی همه‌جانبه بستگی دارد. با این حال، قدرت نظامی همیشه نقش اساسی را ایفا می‌نماید.

در هر درگیری نظامی شانس تسلیحات به واسطه گفتگوهای پنهانی، کاری - استراتژیک یا تاکتیکی خاتمه می‌یابد. با این حال، در رویه‌های غربی روسیه می‌بایست به سرعت در جهت داشتن یک تفوق نظامی - فنی مشخص حرکت کند و به سرچشمه و اصل اخلاقی جنگ در به حداقل رساندن تلفات و خسارات توجه ویژه بنماید.

ابزارهای مناقشه نظامی به دیدگاههای معاصر در مورد انتقال نیروهای زمینی و هوایی مربوط می‌شوند. انتظار می‌رود که در چنین منازعاتی سربازان نیروی زمینی فقط پس از خسارت عمده‌ای که از طریق سلاح‌های دوربرد شامل حملات ماورای جو همراه با استفاده وسیع از سیستم‌های بادقت زیاد به دشمن وارد می‌گردد وارد عمل شوند.

عملیات نظامی به سمت جنوب به‌طور همه‌جانبه توسعه می‌یابد. این امر مانع از آن



نمی‌شود که آنها در مقابل نفوذ تدریجی از طرف دشمن در یک مقیاس وسیع از جمله عملیات پارتیزانی متعهد به دفاع نباشند. در آن مورد لازم است که روسیه با تهدیداتی از طرف گروه‌های کاملاً مسلح، گروه‌های کوچک نظامی، همان‌طور که در تاجیکستان عمل شد، برخورد کند. تحت شرایط مشخص یک منازعه نظامی گسترده علیه روسیه در جنوب، فقط ارتش‌های کاملاً مجهز و به‌طور عمده از سربازان نیروی زمینی روسیه می‌بایست شرکت کنند. مقابله با تجاوز در مقیاس منطقه‌ای بر به کارگیری نیروهای نظامی فدراسیون روسیه، بیشترین تأثیر را خواهد داشت چنانچه آرایش قشون در وقت مناسب در جهات بالقوه خطرناک صورت گیرد. اشکال ویژه اقدام نظامی روسیه برای آن گروه سربازانی که می‌بایست آموزش ببینند عبارت می‌باشند از: عقیم گذاشتن حملات هوای دشمن و دفع سلاح‌های بادقت بالای دشمن، اجرای تمرین‌های نظامی متمرکز، عملیات همراه با انهدام سنگین و همزمان همه مقدمات تاکتیکی، اجرایی - تاکتیکی (وابسته به شرایط ویژه) تمامی نیروها. تجربه جنگ‌های منطقه‌ای به روسیه نشان می‌دهد طرفی که قادر است از ابزارهای رویارویی رادیو الکترونیک، هوانیروز، سربازان هوایر به خوبی استفاده نماید می‌تواند بیشترین وظایف مهم و اصلی را با کمیت نسبتاً کمی از تشکیلات رایج عملی نماید.

چه اولویت‌هایی برای بنیاد نمودن نیروهای نظامی در روسیه وجود دارد؟ از دیدگاه نویسنده یکی از مهمترین موضوعات پیشرفت متوازن تمامی تسلیحات نیروهای روسیه و تجهیزات سربازان است. بخش‌های مختلف نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی در شرایط بقای اوضاع و احوال سیاسی و ایدئولوژیک با سرمایه‌گذاری مالی بسیار به پیشرفت متمرکز در تمامی زمینه‌های نظامی منجر گشت. این وضع منشاء و سرچشمه توسعه جداگانه هر یک از نیروهای مسلح روسیه بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های ادغام سلاح‌های با عملکرد مشابه و نقش آنها در بخش‌های مختلف نیروهای نظامی گردید. به دنبال این امر، ساختار چهارگانه نیروهای مسلح روسیه به یک ساختار سه‌گانه مبدل می‌شود.

نیاز به پیشرفت متوازن نیروهای مسلح روسیه متأثر از چند عامل است:

اول، روسیه یک موقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک را به واسطه وسیع‌ترین سرزمین و

طولانی‌ترین مرزهای دریایی در جهان داراست. این امر مستلزم موجودیت قدرت و توان کافی و درجه اول نیروهای زمینی و دریایی روسیه می‌باشد.

دوم، برای آینده قابل پیش‌بینی روسیه دوشادوش ایالات متحده به عنوان یک قدرت هسته‌ای درجه اول خواهد ایستاد و نه تنها برای تأمین بودجه لازم توان اتمی بلکه همچنین برای نیروی انسانی واجد صلاحیت جهت مدیریت مطمئن و قابل اعتماد نیروهای استراتژیک هسته‌ای پیگیر و مستلزم است.

سوم، از دیدگاه اهمیت بخش هوا - فضایی مناقشه نظامی نقش هوانیروز توسعه یافته و به اندازه سیستم هوا - فضایی دفاع هوایی در روسیه اهمیت می‌یابد.

در این حال این امر به عنوان مجوز و محملی جهت توسعه تمامی اجزای نیروهای نظامی روسیه تلقی می‌شود.

اما امروزه تعیین سهم جمعیت شهری از بخش نیروی انسانی مورد نیاز نیروهای نظامی روسیه یک ضرورت است و توسعه یک رویکرد مفهومی به اجرای مناسب آن در اشکال گوناگون منازعات نظامی محتمل نیز ضرورتی دیگر می‌باشد.

در این زمینه هر روش و متدولوژی در دسترس می‌بایست استفاده گردد: یک فوریت و اضطرار: یک ارزیابی کلی از تأثیر گروه‌بندی برنامه‌ریزی شده، نمونه‌سازی سناریوهایی که احتمالاً مورد استفاده قرار می‌گیرند، محاسبه نفرات درگیر که به کمیت و کیفیت انواع اصلی سلاح‌های مورد استفاده از طرف روسیه بستگی دارد و در نهایت دیگر عواملی که دخیل می‌باشند.

ما نقش و عملکرد نیروهای هسته‌ای استراتژیک و دیگر بخش‌های نیروهای نظامی روسیه در سیستم امنیت دولتی را بررسی و مطالعه خواهیم نمود.

در حال حاضر، توسعه قدرت هسته‌ای استراتژیک روسیه براساس اصول توازن و یکسانی و همچنین کنترل متقابل و کاهش تدریجی با توجه به سطوح موافقت شده با ایالات متحده آمریکا انجام می‌پذیرد. البته، این امر یک روند مثبت تلاش‌های بسیار دشوار و وقت‌گیر روسیه را دربر می‌گیرد، با این حال، اندازه و موقعیت این نیروها می‌بایست حفظ

گردند به نحوی که واردآوردن میزان ضروری و مشخصی از خسارت بر یک متجاوز به روسیه را در هر شرایطی تضمین کنند. در بررسی آینده مجموعه سه گانه هسته‌ای استراتژیک روسیه، بازدارندگی مطمئن و موثق عاملی مهمی است که باید در نظر گرفته شود.

نیروهای زمینی روسیه در منازعات منطقه‌ای در هر مقیاسی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. تکالیف و وظایف عمده دیگری برای نیروهای زمینی روسیه پیش می‌آید که از بهترین نمونه‌های آن باید از انهدام نیروهای زمینی دشمن، حفاظت و نگهداری مناطق کلیدی و مراکز سیاسی - اداری و مشارکت در عملیات نیروهای هوایر و ضد هوایر نام برد. شیوه اجرای این وظایف از طریق صحنه‌های ویژه عملیات و قابلیت‌های نیروهای درگیر مشخص می‌گردند.

ابداع تلقن همراه که افراد نظامی را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر وظایف خود را در جنگ‌های منطقه‌ای و منازعات نظامی عمل نمایند نیز در تحقق هدف‌های سیاسی و نظامی تأثیری مثبت خواهد داشت.

علاوه بر این، به منظور حصول موفقیت‌آمیز روسیه در یک پیکار نظامی اقدامات فوق‌العاده مورد نیاز است. به‌ویژه با استفاده از ابزارها و وسایل جدید، کارا و مدرن جهت تخریب (برای مثال مواد منفجره با قدرت بالا و مین‌های با قدرت تخریب زیاد) که مبتنی بر حجم و قدرت تخریبی آن انفجارها است. این ابزارها و تجهیزات می‌بایست در طول مسیرهای حساس و در فواصل گوناگون از مرزهای روسیه مستقر باشند و یا در آمادگی کامل جهت برخورد با یک تهدید جدی به‌سر برند.

جهت افزایش کارایی عملیات سربازان نیروهای زمینی روسیه، آنها باید همزمان به وسیله تجهیزات و نفرات هوایر، به‌ویژه با هلی‌کوپترهایی که قدرت آتش آنها را افزایش می‌دهند حمایت گردند؛ در این حالت توانایی و قابلیت تحرک و تغییرپذیری بالا پیدا نموده و می‌توانند امور محوله و دیگر وظایف را به خوبی اجرا نمایند. این امور به جهت تمرکز نیروها و قدرت آتش در بخش‌های تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز عملی می‌گردد؛ همچنین موارد مذکور برای به‌دست آوردن و تحکیم موقعیت‌های ممتاز، مهار نفوذهای دشمن، تدارک دیدن و





عملی نمودن ضدحمله‌ها شامل عملیات هوایرد به کار می‌روند.

این امر بسیاری از وظایف محول شده به نیروهای مسلح فدراسیون روسیه در جنگ‌های منطقه‌ای و منازعات نظامی را به دنبال دارد که باید براساس واحدهای متشکل ترکیب شده و متحد که در آمادگی دائمی به سر می‌برند تصمیم گرفته شود. بنابراین، ارتقای آموزش رسمی چنین نیروهایی در روسیه برای عمل در سخت‌ترین شرایط لازم است. در هنگامی که فرماندهان عملیات استراتژیک در استقرار نیروهایشان محدودیت دارند یا اگر سربازان در منطقه جنگی تلفات بسیار متحمل شده باشند و اجرای عملیات سریع غیرممکن گردد در این حالت روسیه ملزم به وارد نمودن نیروی امدادی بهتر آموزش دیده است و نیز لازم خواهد بود واحدهای هوایرد و سربازان بسیار آموزش دیده از دیگر مناطق نظامی روسیه وارد عمل گردند.

همان‌طور که روسیه از منازعات نظامی در گذشته آموخته است نیروی هوایی از هوایرد به عنوان پشتیبانی و کمک برخوردار می‌شود. هوایرد یک نیروی نظامی تعیین‌کننده و اصلی است که قادر به حمله به دسته‌های دشمن در عمق صحنه‌های عملیات می‌باشد. از جمله وظایف احتمالی آن تأمین برتری هوایی است؛ تا برای نیروهای زمینی و دریایی نیروی پشتیبانی محسوب شود و جهت متلاشی نمودن توانایی اقتصادی - نظامی دشمن به کار رود. همچنین، هوایرد نقل و انتقال سربازان و تجهیزات از طریق هوا را به عهده داشته و عملیات شناسایی هوایی و نیز وارد نمودن نیروهای هوایرد را ممکن می‌سازد.

نیل به برتری هوایی اهمیت تعیین‌کننده و سرنوشت سازش را تا آینده دور نیز حفظ خواهد کرد، همان‌طور که مزیت‌های بسیاری را ارائه داده و در بسیاری از اوقات فرصت‌هایی را جهت دستیابی به ابتکار عمل استراتژیک فراهم می‌نماید. چنانچه تجربه نشان داده هوایرد قادر به سرکوب دفاع هوایی دشمن (PVO)<sup>۱</sup> و از بین بردن هوایرماهایش در زمین و

۱. واژه روسی است. نوشتار روسی آن عبارت است از: Protivovozdushnaya؛ رسته‌ای است در نیروی هوایی روسیه که در ژانویه ۱۹۸۱ تأسیس و جایگزین رسته Pvo- Strany گردید. رسته اخیر از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۱ در نیروهای مسلح روسیه قرار داشت که مشتمل بر واحدهای زمینی و هوایی مسئول دفاع هوایی استراتژیک اتحاد جماهیر شوروی بوده است.



هوا می‌باشد. به‌طور روشن، در منازعات نظامی کوچکتر نیز اجرای عملیات هوایی ضرورت دارد.

حمایت هوایی فشرده از عملیات نیروهای زمینی در عمل به عنوان یکی از وظایف اصلی هوانیروز درمی‌آید.

دوری منطقه نبرد که مانع هجوم و رسیدن فوری سربازان و نیروی امدادی است ضرورت استفاده گسترده از هوانیروز را در عملیات اکتشافی مطرح می‌نماید؛ چنانچه هوانیروز در واحدهای ضدتانک و دسته‌های ضد هلیکوپتر نیز به کار گرفته می‌شود.

وظایف هوانیروز به‌طور سنتی در منازعات آبی نقش و اهمیت بیشتری می‌یابد؛ از جمله این وظایف، تأمین امنیت فرودگاههای نظامی و حملات بازدارندگی در مقابله با مهمترین آماج دشمن است.

روسیه در جنگ منطقه‌ای در خلیج فارس شاهد بود که چه‌طور نیروهای هوایی متفق شمار بسیاری از فرودگاههای نظامی عراق را ویران نمودند؛ همچنین تأسیسات تولید نیروی هسته‌ای، سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک و نیز اهداف نظامی گوناگون و مهم را منهدم کردند (دفاع هوایی دشمن کنترل و فرماندهی سیستم‌ها از جمله آشیانه‌های زیرزمینی را به‌عهده دارد).

تجزیه و تحلیل منازعات نظامی نشان می‌دهد که هوانیروز همچنین کاربردهایی در عملیات از نوع فریب دشمن و تحریکات نظامی در موقعیت تروریستی نیز دارد.

دفاع هوایی معتبر و قابل اعتماد با ویژگی‌های جدید در عملیات نظامی یکی از مهمترین عوامل نیل به موفقیت محسوب می‌گردد. وظایف اصلی عبارتند از: نبرد برای برتری هوایی، دفاع در مقابل حملات هوایی به مراکز اقتصادی - سیاسی و نظامی مهم و مناطق و اهداف اصلی؛ حفاظت از نیروهای زمینی در مقابل نیروی هوایی دشمن و حملات موشکی به میدانهای نبرد و تمامی منطقه عملیاتی؛ ارتباطات، مناطق آرایش و تجمع نیروهای نظامی ذخیره در پشت جبهه.

این فهرست همچنین شامل محافظت از حملات نیروی هوایی دشمن به فرودگاههای



کوچک، شالوده‌های نیروی دریایی، بنادر و مراکز کنترل می‌گردد.

اولین نیاز برای تحقق وظایف ذکر شده ایجاد یک سیستم دفاع هوایی قابل اعتماد برای محافظت از تأسیسات، وسایل ارتباط جمعی، و واحدهای سربازان در منطقه جنگی است که براساس اصول استراتژیک سازمان داده شده باشد؛ نه صرفاً بر مبنای منابع و ذخایر محاسبه گردد.

دومین ضرورت اینکه در یک منازعه هوایی با دشمن قوی لازم است که ابزارهای سنگین با دقت زیاد در تخریب همراه با تلاش‌های همه بخش‌های نیروهای نظامی در یک سیستم نزدیکترین همکاری مشترک به کار گرفته شوند. به کارگیری هواپیمای جنگی برای مقابله با حملات هوایی دشمن نیز لازم است. عملکرد آنها شامل اختلال در امواج رادیویی دشمن، متوقف‌سازی و رهگیری در مرز در مقابل موشک‌های بادقت زیاد و فعالیت‌های هواپیمای اکتشافی و پیشگیری شدید از حملات هوایی دشمن در مقابل مجموعه دفاع ضدهوایی روسیه است.

سومین مورد آن است که مدیریت نیروهای دفاع هوایی دشمن باید به یک سیستم پیشرفته مجهز شود و از حداکثر استفاده از قابلیت‌ها در اجرای وظایفشان اطمینان حاصل کنند. چهارمین اینکه سیستم عمومی و هر یک از اجزا و ارکان تشکیل‌دهنده PVO می‌بایست در مقابل اختلال و برخورد مقاوم بوده و دارای ویژگی‌های چندکاربردی و حساس، قادر و بدون مشکل برای اجرای سریع، مانورهای پنهانی، تدارک حملات غافلگیرانه و واحدهای کاملاً متحرک توپخانه و ضدهوایی باشند.

تا آنجا که به نیروی دریایی مربوط می‌شود مسئولیت‌های نیروی دریایی با توجه به شرایط اصلی و خاص از وضعیت سیاسی و نظامی معین می‌گردد. مسئولیت‌های نیروی دریایی شامل بمباران اهداف نظامی و صنعتی، سربازان نیروی زمینی و وسایل ارتباطی‌شان، وارد عمل شدن نیروی دریایی و هوایی، حمایت واحدهای توپخانه ضمن افزایش شمار نیروهای زمینی است. محاصره مناطق ساحلی تا عمق دریا نیز از مسئولیت‌های نیروی دریایی است به نحوی که نقل و انتقال نیروی دریایی را محافظت نموده و آرایش نظامی مجدد



یا تخلیه نیروهای زمینی را سامان دهد. انهدام نیروهای دریایی دشمن در دریا یا بندر به موازات دفاع از ساحل دریا، مشارکت در عملیات ضد هوایر و هدایت حملات در ارتباط با حملات تعیین‌کننده استراتژیک از دیگر وظایف نیروی دریایی روسیه است. تجزیه و تحلیل جنگ‌ها نشان می‌دهد که حجم عملیات انجام شده به وسیله نیروی دریایی در حمایت از سربازان نیروی زمینی روند روبه رشدی دارد. در زمان صلح، تشکیلات نیروی دریایی می‌بایست «افزایش بازدارندگی متقاعدکننده»<sup>۱</sup> را تضمین کنند و حضوری نظامی در آن بخش‌هایی از کره زمین که ضرورت ایجاب می‌نماید داشته باشند.

اکثریت جنگ‌های منطقه‌ای و منازعات نظامی میدانی برای آزمایش سلاح‌های جدیدند. دیگر قابلیت‌های استفاده از آن سلاح‌ها در جنگ‌های آینده به نمایش درمی‌آید. این عامل فرصت می‌دهد بهترین مسیرها جهت توسعه نیروهای نظامی مشخص گردند. آشوب‌های درگیری نظامی وقتی بروز می‌کنند که جاه‌طلبی یک یا دو دشمن از طریق مذاکره در جهت توافق جز از طریق جنگ فرو نمی‌نشیند.

از دیدگاه ما، در حال حاضر، خواست‌های روسیه در جهت حل اختلافاتش از طریق مسالمت‌آمیز بدون استفاده از نیروهای نظامی عملی نیست. هدف روسیه حل و فصل هر مشاجره و اختلافی از طریق روند سازمان ملل متحد و دیگر ارگان‌های بین‌المللی است همراه با دفاع قاطعانه و جدی از منافع ملی در حالی که قابلیت‌ها و توانایی‌ها جهت توسعه تجهیزات و فن‌آوری‌های جدید به منظور کاهش مناقشات نظامی تجربه می‌گردد.